

ضرورت اخلاق در زندگی

معصومه صادقی اردستانی

اخلاق، عبارت است از: مجموعهٔ خصلت‌های نفسانی زشت و زیبا، مانند: ترس و تندخویی و عصبانیت، و شجاعت و جوانمردی و مروت. اما «علم اخلاق» عبارت است از: آگاهی به فضایل و رذایل نفسانی، که آن‌ها گاهی سبب پیشرفت و تکامل و گاهی موجب بدبختی و تباهی انسان می‌شوند. در واقع، علم اخلاق به ما می‌آموزد، که چگونه خود را بشناسیم؟ چه خصلت‌های نیک و بدی در ما وجود دارد؟ چگونه فضایل اخلاقی را تحصیل کنیم؟ و آن را حفظ و تقویت کرده، و چگونه رذایل اخلاقی را بشناسیم، و آنها از وجود خویش ریشه کن ساخته یا کاهش دهیم؟

با توجه به این معنا «فایدهٔ اخلاق» هم روشن می‌شود، و نتیجه می‌گیریم، که اگر به زیور صفات حمیده و پسندیده آراسته شویم، دامنهٔ زندگی برای ما سهل و آسان و گلستان می‌گردد، و اگر خدای ناکرده به رذایل و صفات زشت مبتلا شویم، زندگی را برای خود و دیگران، تیره و تباہ ساخته و گاهی به صورت جهنم سوزانی در می‌آوریم!

این را هم باید بدانیم، که قرآن کریم دربارهٔ پیامبر عالی قدر اسلام (ص) که ما امت او هستیم، فرموده است: «به راستی تو، دارای خلق عظیمی هستی» (سورهٔ قلم، آیهٔ ۴) و نیز قرآن کریم، رمز محبوبیت و پیشرفت و افزایش یاران و پیروان آن حضرت را، اعمال عطاوت و مهربانی و دل‌رحمی و نرم‌خویی آن بزرگ و نداشتن خشونت و دل‌سختی معرفی کرده است. (سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۱۵۹)

نقش اخلاق در زندگی فردی

با توجه به این که، انسان یک موجود ترکیبی و دو بعدی است، یعنی از جسم و روح تشکیل شده و هر دو بخش باهم پیوند تنگاتنگی دارند، هر یک در دیگری نقش تأثیرگذاری دارند.

بدین جهت، هرگاه روح از آلام و دیو رذایل اخلاقی آزاد گردد، جسم نیز سلامت و شادابی می‌یابد و آن‌گاه، که روح در چنگال رذایل و خصلت‌های زشت و آزار دهنده گرفتار باشد، جسم نیز مبتلا به بیماری‌هایی مانند: زخم معده، زخم روده، فشار خون، سوء هاضمه و سایر اختلالات گوارشی می‌شود، که پزشکان و زیست‌شناسان، به تفصیل آن را بیان کرده‌اند.^۱

اخلاق در زندگی اجتماعی

خداوند مهربان، انسان را موجودی اجتماعی آفریده، یعنی لازمه زندگی موفق او، ارتباط و حشر و نشر و معاشرت با سایر انسان‌های پاک می‌باشد، تا هم بدین وسیله نیازمندی‌های خود را تأمین نماید و هم بتواند گره از کار بسته دیگران باز کند و احیاناً غم و اندوهی را برطرف کند.

اکنون چند نمونه از سفارش‌های اخلاق اجتماعی اسلام را مورد توجه قرار می‌دهیم:

۱. اهل ایمان وظیفه دارند، هر وقت با هم ملاقات می‌کنند، به یک دیگر سلام کنند.

رسول خدا^(ص) فرمود: شایسته‌ترین افراد به بندگی خدا و اطاعت از پیامبر^(ص) کسی است که به هنگام

ملاقات با دیگران آغاز کننده به سلام باشد.^۲

۲. برخورد با چهره گشاده و خوشرویی، وظیفه دیگر اخلاق اجتماعی است، که امام علی^(ع) آن را

نشانه شخص مؤمن شمرده و فرموده: از نشانه‌های مؤمن این است، که: خوشحالی و سرور او در

چهره‌اش نمودار است (و به هنگام ملاقات با دیگران) غم و اندوه خویش را در درون پنهان می‌دارد.^۳

۳. رفت و آمد، دید و بازدید و سرکشی به بستگان و دوستان و آشنایان، وظیفه دیگر اخلاقی و

حقوقی است و پیامبر اسلام^(ص) در این باره فرموده است: هر کس برای دیدار برادر مسلمان، به خانه او

برود، خداوند متعال به او می‌فرماید: تو میهمان و زیارت کننده من هستی، پذیرایی تو بر عهده من است

و به خاطر دوست داشتن برادر مؤمن و دیدار از او، بهشت را بر تو واجب کردم.^۴

۴. رفع حاجت، تأمین نیاز و خرسند و خوشحال گرداندن افراد مؤمن، که قهراً غم و اندوه و

آشفته‌گی و پریشانی را از کانون زندگی آنان برطرف می‌کند، تکلیف مهم دیگری است و

پاداش فراوانی هم، برای این رفتار مطرح گردیده است. امام جعفر صادق^(ع) فرموده

است: ارزش رفع حاجت یک مؤمن، در پیشگاه خداوند، از بیست حج، که برای انجام

آن صد هزار درهم هزینه شده باشد، بالاتر است.^۵

به هر حال، روابط اخلاقی نیک و مثبت، همانطور که موجب تهذیب نفس، تربیت انسانی

و رشد معنوی می‌شود، در تکامل هویت اجتماعی، توسعه و پیشرفت و ترقی و تعالی

نقش تعیین کننده‌ای دارد و امتی را به عزت و سربلندی می‌رساند، چنانکه فقدان آن

موجب عقب ماندگی و ذلت و گاهی نکبت و سقوط یک جامعه می‌شود. بی‌جهت

نیست، که «ملک الشعراى بهار» سروده است:

اقوام روزگار، به اخلاق زنده‌اند قومی که گشت فاقد اخلاق مردنی است



در جهان دیگر

به همان میزانی که اخلاق نیک، بر سلامت انسان، تربیت خانوادگی، وسعت روزی، محبوبیت اجتماعی، و توسعه و عمران و آبادی، نقش سازنده‌ای دارد، فقدان آن، این مزایای ارزشمند دنیوی را از انسان سلب می‌نماید. هم چنین، طبق روایات اسلامی «سوء خلق» و بد اخلاقی، کیفرهای دردناک اخروی، که از ورود به داخل قبر آغاز می‌شود، در پی خواهد داشت، که یک نمونه آن را به مطالعه می‌گذاریم: سعد بن معاذ، از یاران بزرگ پیامبر اسلام (ص) است، او در جنگ‌های: بدر، احد و خندق در رکاب آن حضرت حضور داشته و در راه دفاع از اسلام جهاد کرده است، طبق بیان امام باقر (ع) بدین خاطر، که سعد در همه حال سوره «قل هو الله» تلاوت می‌کرد، هزاران فرشته آسمانی در تشییع جنازه او شرکت کرده‌اند.^۶

سعد، در سال پنجم هجرت، پس از جنگ «خندق» بر اثر تیری، که به دست او اصابت کرده و سخت مجروح (و مسموم) شده بود، در ۳۷ سالگی در گذشت و در قبرستان «بقیع» مدینه، پای دیوار خانه «عقیل بن ابی طالب» به خاک سپرده شد.^۷

امام صادق (ع) فرموده: وقتی رسول خدا (ص) خبر درگذشت سعد را شنید، به مسجد آمد و پس از ادای نماز صبح، درحالی که اصحاب آن حضرت را همراهی می‌کردند، با شتاب به خانه سعد رفت، دستور داد او را غسل دهند و خود کنار در خانه ایستاده بود تا این که کار غسل و حنوط و کفن به پایان رسید، آن گاه جسد را در تابوتی گذاشتند و در حالی که رسول خدا (ص) جلوی تابوت را گرفته بود، به طرف گورستان حرکت دادند. به هنگام تشییع جنازه اصحاب مشاهده کردند رسول خدا (ص) گاهی طرف راست، گاهی طرف چپ و گاهی هم دو طرف چپ و راست عقب تابوت را می‌گیرد و حرکت می‌کند، تا این که کنار قبر رسیدند، وقتی جنازه را کنار قبر گذاشتند، رسول خدا (ص) و اصحاب بر آن نماز خواندند و آن حضرت خود داخل قبر شد و خشت و گل را می‌گرفت و با دقت لحد را محکم و مسدود می‌کرد، زمانی که اصحاب از این دقت رسول خدا (ص) تعجب کرده بودند، آن حضرت فرمود: هر چند می‌دانم به زودی لحد ویران و خراب می‌شود، ولیکن الله عزوجل یحب عبداً إذا عمل عملاً احکمه.

اما، خداوند متعال بسیار دوست می‌دارد، هر بنده‌ای کاری را انجام می‌دهد، آن را با دقت و محکم انجام دهد. مادر سعد هم، که نزدیک قبر نشسته بود و رفتار پیامبر (ص) را نسبت به جنازه فرزند خویش مشاهده می‌کرد، که چگونه آن حضرت لحد را چیده و قبر را همواره نمود، خطاب به جسد فرزند خود گفت: یا سعد! هنیئاً لک الجنة.

یعنی، ای سعد! بهشت بر تو گوار باشد.

اما، رسول خدا(ص) فرمود: ای مادر سعد! آرام و خاموش باش، از خداوند چه انتظاری داری؟ هم اکنون که جسد را داخل قبر گذاشتم، دیوارهای قبر بر او فشاری وارد آورد!

آن گاه هم، که رسول خدا(ص) و اصحاب از کنار قبر بر می گشتند، اصحاب گفتند: ای رسول خدا(ص) رفتاری را خود شخصاً درباره سعد بن معاذ انجام دادی، هرگز درباره دیگری از تو مشاهده نکرده بودیم، اما این فشار قبر برای چه بود؟

آن حضرت جواب داد: نعم، اِنَّه کان فی خلقه مع اهلہ سوء.^۸

آری، چنین بود، اما این فشار قبر بدین جهت بود، که سعد با اعضای خانواده خویش گاهی بد رفتاری می کرد و خلق و رفتار مطلوبی نداشت.

بنابراین، اخلاق نیک دارای مزایای مادی و معنوی و دنیوی و اخروی متعددی، و یک زیان بزرگ آن هم، غیر از ضررهای دیگر در زندگی، فشار قبر خواهد بود.

۱. رجوع به کتاب: انسان موجود ناشناخته، الکسیس کاری فرانسوی.
۲. کافی، ج ۲، ص ۶۴۴.
۳. نهج البلاغه فیض الاسلام، حکمت ۲۳۵، ص ۱۲۴۲.
۴. کافی، ج ۲، ص ۱۷۷.
۵. کافی، ج ۲، ص ۱۹۳.
۶. کافی، ج ۲، ص ۶۲۲، بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۱۰۹.
۷. اسد الغابه، ج ۲، ص ۲۹۶، پیغمبر و یاران، ج ۳، ص ۱۷۰.
۸. بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۱۰۸، پیغمبر و یاران، ج ۳، ص ۱۸۱.